

که لایحه است هم در کمپسیون تمام شده است و روزنامه‌جات یا کسری نوشته‌اند که یک اقداماتی در آنجا شده است خواستم تذکر بدهم که مقام ریاست بوزارت قوائد عامل و خارجه اطلاع بدنه‌ند که برای جواب سوالات حاضر بشوند.

نایب رئیس. تذکر داده می‌شود آقای تدبین.

(اجازه)

قدیم - بنده می‌خواستم تذکر کری آفایان نمایندگان معترض بدهم.

راجح بکمپسیون بودجه بواسطه اینکه بودجه های تفصیلی بالجانبی شه آتبه از طرف وزارت مالیه یادداشت تقدیم مجلس نشده است.

کمپسیون بودجه تقریباً کاری ندارد و برای اینکه در آتبه طرف اعتراض و تمراض وافع نشود و گفته نشود که کمپسیون بودجه کار نشکرده است برای تذکر هر رض می‌کنم که اگر آفایان موافق بفرمایند از طرف مجلس بوزارت مالیه موافقت شود هرچه زودتر بودجه های مال آتبه را بتفصیل به مجلس بیاورند.

جمعی از نمایندگان. صحیح است.

بعضی از نمایندگان. وارد دستور شویم.

هدایت الملک. بنده قبل از دستور عرضی دارم و اجازه‌هم خواسته‌ام.

نایب رئیس. قبل از جناب‌عالی خبلیها اجازه خواسته‌اند وارد دستور می‌شوند.

قانون انتخابات از ماده هشتم فلکی است آقای یاسائی.

(اجازه)

یاسائی در واقعی که موقع شور در کلیات بوده بنده عرایضی عرض کردم

حالا هم عرض می‌کنم اگر ما بخواهیم انتخابات آتبه بصحت صورت بکبرید بعیشه من باید ماده هشت اصلاح شود.

اگر ماده هشت بنحوی که بوده با کمپسیون رایرت داده است باقی بماند می‌باید انتخابات آتبه نیست.

ماده هشت می‌گوید از شرایط انتخاب کنندگان از اینکه از

لست که اینها شرایط نبویه است و شرایط سلیمانی آن در ماده بعد می‌اید از شرایط نبویه یکی اینکه تهمه ایران باشد این اشکال ندارد.

دوم اینست که لاقل بیست سال داشته باشند.

بنده با اینکه انتخاب کنندگان حقاً پیشتر سال داشته باشند مخالفم و می‌گویم اینست همچنانه سال کافی است زیرا مایک

مده محصلین روش فکر داریم و من و خالک این اشخاص را در انتخابات مهمندانم تا این اشخاص بی سواد و اگر بنا باشد ما غلط

اهمیت را دارد و تقاضا دارم در جلسه آتبه جزء دستور گذارده شود.

نایب رئیس. هنوز رایرت آن طبع و توزیع نشده است وقتی طبع و توزیع شد البته جزء دستور می‌شود آقای ضیاء الاعظین.

(اجازه)

ضیاء الاعظین. در دو جلسه قبل آقای مشیر معظم راجح بنفط شمال مذاکره فرموده‌اند درخصوص تذکر بدولت راجح بسنگلر و در خصوص استاندار اویل هم اشاره فرمودند بنده در همان جلسه هم اجازه خواستم که نظریات خودم را در قسمت اول و همچنین در قسمت دوم عرض کنم ولی نوبت بینندگان نرسید.

در جلسه گذشته هم مجلس نشد امروز هم که قانون انتخابات مطرح است در این موضوع زیاد عرض نمی‌کنم در قسمت اول فرمایش ایشان که تذکر بدولت داده شود موافقم.

البته باید بدولت تذکر داده شود که با کمیانی سنگلر مذاکره کند و نتیجه آن مجلس اطلاع داده شود ولی راجح

بقسمت دوم که در خصوص کمیانی استاندار اذیل بود اینجا خواستم عرض کنم لازم است آفایان نمایندگان معترض بیشتر مطالعه بفرمایند در خصوص مطالعاتیکه جامعه در این خصوص داده بمقیده بنده نمایندگان محتقر بلکه هیچ مقامی فوق تشخیص جامعه نمیتواند امتیازی بدهدیا قراردادی بایکی از دولت ببند و تشخیص جامعه مقدم بر هرچیزیست در این قسمت بنده لازم مبدانم مطالعات بیشتری بشود که مذاکره دولت با حکمیانی سنگلر بکجا منتهی شده است.

شیر و افانی. از بین رفت.

ضیاء الاعظین. اگر چنانچه از مذاکره با کمیانی سنگلر نتیجه گرفته شده ولازم است بکمیانی دیگری داده شود البته لازم است جامعه مطالعات بیشتری در این خصوص بکند.

مخصوصاً تأیید می‌کند هر ایض مر اهمند رساله که روز گذشته از طرف کمیانی نفط جنوب ایران منتشر شده است.

نمایندگان تشخصیص جامعه را بیشتر مطالعه کنند و جراید هم نظریات ملت را منتشر کنند بعد هر تممیزی که لازمه است گرفته شود.

نایب رئیس. آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب. بنده خواستم عرض کنم راجح با اینکه از این کشی بیجار جلا

نایب رئیس. آقای ضیاء الاعظین (اجازه)

ضیاء الاعظین. بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم.

نایب رئیس. آقای ضیاء یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب. بنده جلو تراز هم اجازه خواسته بودم و قبل از دستور عرض دارم.

نایب رئیس. آقای الموتی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی الموقی. بنده عرضه عرض کرد بودم ولی دیدم

بنده را غائب بی اجازه ثبت کرده‌اند.

نایب رئیس. رایرت از کمپسیون

رسیده است آقای تدبین.

(اجازه)

نایب رئیس. آقای اخگر.

(اجازه)

اخگر. قبل از دستور عرض دارم.

نایب رئیس. نسبت بصورت مجلس

ایرادی نیست.

شاهزاده شیخ الرئیس. بنده عرض دارم.

نایب رئیس. بفرمایند.

شاهزاده شیخ الرئیس. در این خاطر بنده است آقای وزیر مالیه مقصود شان این نیود که تمام عربستان جزء ایران نیست.

مقصود شان جزیره‌العرب بود اینجا طوری نوشته شده است که مطلق است در صورتیکه مقصود شان جزیره‌العرب بود

نایب رئیس. نسبت بصورت مجلس دیگر ایرادی نیست؟ (گفتند خیر)

نایب رئیس. صورت مجلس تصویب شد.

آقای شیر و افانی. (اجازه)

شیر و افانی. بنده خواستم عرض کنم آقای ایجاده قبل از دستور اجازه می‌خواهد

ممکن است هر کدام مطالعی داشته باشد که دو سه کلمه باشد ولازم است گفته شود.

عرض من راجح قانون سرباز گیریست از آن روز تا حال که در این باب عرض نمی‌کردم برای این بود که قانون سجل احوال

هنوز مجلس نیلمده بود ولی حالا که قانون سجل احوال مجلس آمد شود اولش هم تزدیک است تمام شود و بعد از تأیید سجل احوال قانون سر باز کیمی از ایام قوانین

است و باید مجلس بیانیات این وضیعت بنتیجه که حقیقت باید طرز شرم آوری در مملکت

جریان دارد از بین برود و قانون سرباز

اجباری در مملکت عمومیت پیدا کند چون از نظر سیاسی واستقلال مملکت ماهر کمال

خانه بزرگ از این بایان دارد رئیس - بیشنهادانی کرده اند حالا بقول می‌فرمایند مختارید.

آقای داور (اجازه)

دادر - چون راجح بمعافیت ماشین - های فلاحی ماده مانده است و اصلاح هم شده است و بعلاوه وقتی هم لازم ندارد (همه بین نایندگان)

دادر - اجازه بفرمایند بنده عرایض را عرض بکنم اگر ایرادی دارد بعد بفرمایند

خواستم تقاضا کنم اگر آفایان اجازه می‌دهند جزو دستور جلسه آتبه شود

رئیس. آقای ضیاء الاعظین (اجازه)

ضیاء الاعظین. بنده در این خصوص عرضی ندارم راجح بدهسته عرض کنم آتبه خواستم عرض کنم رئیس - آقای سهام السلطان

سهام السلطان. روز بینجشنیه مخصوص فانون انتقام‌گشتنیست و بنده معتقد که مطابق رایی که مجلس داده است روزهای بینجشنیه باید مخصوص باشند کار باشد و چیزی‌ای دیگر

جزء دستور آن روز باشد و بنده تصویر می‌کنم اگر آفایان بیشنهادی دارند مثل این که آقای دادر بیشنهاد فرمودند ممکن است تقاضا کنند جزو دستور روز شنبه باشد والا

روز بینجشنیه فقط اختصاص باشند فانون داده شده است.

رئیس. تصویب بفرمایند مبنظر باشند.

بعضی از نمایندگان. صحیح است.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر رختم شد)

(بیس مجلس شورای ملی مؤمن الملک اقبال الملک منشی - اقبال الملک منشی - معظم السلطان

جلسته یکصد و یازدهم. صورت مشروح مجلس یوزم پنجشنبه ۲۵ جدی ۱۳۴۳

جمادی الثانيه مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل شد.

صورت مجلس شه شنبه بیست و سوم می‌گذشت آقای آفایان جواز خانه قرات

نمودند.

نایب رئیس. آقای شیر و افانی (اجازه)

شیر و افانی بنده چون راجح بمعافیت ماشین

باید طرز شرم آوری در مملکت

گذشت بنام دمکراسی برداشته ایم و این حق را همومنی کرده ایم و اگر حالا بخواهیم بی سواد هارا مستثنی کنیم این بیک سبیر قهراب است یکی از رفاقتان من می گفت تو مر تجمع شده؟ اگر ارجاع معنیش این است که بتنده انتخاب میکنم زیرا بتنده دفاع میکنم از حق از حق آن بیچارهها وضعفا نوده که این قسم انتخابات بضرر شان تمام میشود و بتنده قطع و بقین دارم که اگر بی سوادها دخالت نکنند قطعاً بفع آنها تمام میشود زیرا اگر آنها دخالت نکنند غمغوار های آنها موفق و فاتح بشوند ولی اگر دخالت کنند آنها موفق نمیشوند.

یکی از اشخاصی که طرفدار هبده بناهی باشند آقای تقی زاده هستند که در اول شاید خیلی کوشش کرده اند انتخابات حق تماهمی باشند و بالته نمی توانیم بگوییم آقای تقی زاده مرجعتمند.

ایشان در آزادی طلبی خبلی تندر و می باشند و همه ما اتفاقاً اجتماعی ایشان را استایش میکنیم بلکه محمد بن ایشان را میشناسند.

ایشانم طرفدار این عقیده هستند چهارم

برای اینکه نیخواهند بروغ ادامه دهنده نمیخواهند بیک و صمیمات نامطبوعی که علیه توده و دهاین تمام میشود ادامه دهنده.

پس اگر ما یکقدم قهرمانی برداریم و بر گردیم بهتر است بتنده خودم هر چیز میکنم مسلکاً خبلی تندر و هستم ولی در این قسم هر چیز میکنم بتنده غلط کردم نه همیدم زیرا اینقدر توبه بضرر نوده و کسانی تمام میشود که بنفع آنها حرف میزنیم هم کار میکنیم قدم میزنیم احوالات بخراج میلهم.

اینست عقیده بتنده پیشنهادی هم نوشته ام که تقدیم مبنایم دیگر بسته بنظر آقایان است.

حائز زاده مخبر کمیسیون - چون شور اول است بھر اینست آقایان پیشنهاد های کنی مرحمت کنند که در کمیسیون درش مذاکره شود.

بهیوی است نظریات مختلف است. یکی از آقایان معتبرهای بیکی میگوید اسید و لاره سالهای بدهدویکی میگوید بیست سالهای بدهد.

یکی دیگر معتقد است بیشتر از بیست سال باشد.

یکی میگوید با سوادهای بدهند.

یکی میگوید بیسادهایم حق شرکت داشته باشند.

خوب است این نظریات را آقایان پیشنهاد کنند که در کمیسیون در آنها مذاکره شود و برای شورا اول توضیح مفصلی بدهند که این قانونم زودتر در مجلس بگذرد.

آنها برای انتخاب گردن اصلاح هستند البته همه ماهاتصدقی داریم که انتخابات یک حق عمومی است ولی بیک دلایلی بیک استنای ای در شرکت فاعل میشود مثلاً میگوییم اشخاصی که فرماندهی شان به چند سال زرسیده حق انتخاب گردن ندارند و در حقیقت بیک جهانی این حق عمومی را از آنها اسلب کرده ایم.

برای اینکه آنها میز نیستند و تشخیص نمی‌هند و نه فهمند حکومت ملی یعنی چه تمدنه بار لامان چه معنی دارد.

بلی در صورتیکه همه ما تصدقی داریم که انتخابات یک حق عمومی است ولی گفته ایم اطفال حق شرکت در این حق همومی را ندارند.

بازمی گوییم انتخابات یک حق همومی است ولی نسوان را از شرکت در این حق همومی محروم کرده ایم حالا بینهم آبا موجبات شرعاً دارد که زن نباید امر انتخابات دخالت کند.

بعقیده بتنده موجبات شرعاً ندارد بلی نمیتواند و کبل شود ولی حق انتخاب کردن دارد زیرا آنها هم در امور معاش و غیره یک استقلالی دارند و مطابق قانون اساسی وضع پارلمان و وضع قوانین که روی امور معاش است.

پس ما هر از نهاد انتخابی کرده ایم برای اینکه آنها مستضعفند و وضع زندگانیشان طوری است که نبیشود در این مملکت حق شرکت در انتخابات را آغاز نمایند.

پس در صورتیکه مامتعاقیم که انتخابات یک حق عمومی است نصف اشخاص را که حق انتخاب گردن دارند بجهانی مستثنی کرده ایم و نیایدهم بازها حق بدهیم.

پس بعقیده بتنده اشخاص بی سواد هم با پایه استنای بشوند.

یک مسئله مسلم دیگر که در قانون سابق هم بوده و تغییری هم نکرده اینست که ما میگوییم باید انتخابات مخفی باشد آبا این طرز انتخابات یعنی باش که بسواد ها در امر انتخابات انتخابات مخفی جریان پیدا می کند.

بعقیده بتنده خیر زیرا در موقع انتخابات چاکمی داند که آشخاص بی سواد که در ورقاش نوشته است انجمن نظار هم می دانند.

خود آن کاندیدهایم میدانند ستور دهنده هم می دانند.

فقط خود بخشش نمی داند که فزورقه اش چه نوشته شده آبا با این ترتیب انتخابات مخفی است.

شیر وانی - برای خودش بمعافی است.

یا ساتی - البته آقایان که باظریه بتنده مغالالت میکنند عقیدشان این است که ما پیک قدمهای تند و سریع را داده ایم

او از جریان امور آن محل لازم است بمقیده بتنده یکم که انتخاب کنند کان حقتماً بیست سال بیشتر باشد اینکه حقیقتاً صلاحیت دارند در انتخابات دخالت کنند از این حق مفروض می مانند. از لحاظ شرعی هم شازده سال را موقع بلوغ قرار داده اند.

بینکنفر از نهایتند کان - پانزده سال

یا سواد از حق انتخاب کردن مجرومند و دلالتی هم قبلاً غرض کرده ام

زیرا انتخابات بر علیه خود آنها تمام میشود آقای تدبیر فرمودند اگر این کار را بکنیم تصدقی کرده بیم که حکومت با اقلیت امیت بعقیده بتنده باین ترتیب هم

حکومت با اقلیت است برای اینکه صفو را

مخوب تشخیص میدهیم.

صفوی که مبارزه میکنند در انتخابات هیئت از اشخاص با سواد و متقدی هستند

که فوز خودشان را بطور غیر مشروع اعمال میکنند و عده اینها خیلی کم است

شاید در هر معنی دویا سه یا پنج نفر باشند در مقابل آنها بک عده اینها اشخاص دیگری هستند

که فرضاً باندازه اسم نوشتن سواد دارند و عده اینها شاید هزار یادو هزار نفر باشد آنوقت یک صد و هزار نفری است و بیک

صف سه هزار نفری و اگر ماحق بدهیم که بی سوادها حق انتخاب کردن داشته باشند

عمل اینها پیشتر سه آن صد سه نفری می باشد.

ایستند زیرا این اشخاص نفوذ دارند و بالته نفوذ متقدی در بیک عده اشخاص ناقدند.

می شود و محل نفوذ این اشخاص همان

بی سوادها هستند.

حالا نیخواهیم هر ض کنم بجهه تر تپه های اعمال نفوذ میکنند.

علی ای حال اگر ما در این مبارزه حق بدهیم با اشخاص بی سواد که آنها در آن چند نفر متقدی زیرا آنها فود آن اشخاص بی سوادرا پسی خودشان چلپ میکنند و در حقیقت حکومت باین ۳ نفر می شود.

بنده بوجوب اطلاعاتی که دارم شاید اغلب آقایان هم بدانند در ولایات حکومت در دست نفرات است و در حقیقت بینکنند که و کبل انتخاب میکنند.

در واقعه اندازه دارد.

مأموریتاید بدوری فانویون پوسیم.

اگر بخواهیم رعایت اقلیت و اگر بیشتر

بنکنیم بعقیده بتنده باز بهتر است که این حق انتخاب کردن را فقط بآشنازها بدهیم

و لا اگر بیشتر باشند می سوادهایم حق انتخاب کردن داشته باشند انتخاب بضرر آنها

تمام می شود و اشخاص بساد جوں پسینه هستند و کمتر در آنها اعمال نفوذ می شود

کنیم که انتخاب کنند کان حقتماً بیست سال داشت باشد.

بیک عده اشخاصیکه حقیقتاً صلاحیت دارند در انتخابات دخالت کنند از این حق مفروض می مانند.

شازده سال را موقع بلوغ قرار داده اند.

بینکنفر از نهایتند کان - پانزده سال

یا در ماده نهم نوشته شود : اشخاص

بی سواد از حق انتخاب کنند کان در انتخابات دخالت کنند در این بعیده

بنده هیجده سال برای انتخاب کنند کان در این بعیده

واین میزبانی که اینجا معون شده است که انتخاب کنند کان باید بیست سال داشته باشد.

بیک عده زائد است و البته اگر آفایان هم باین عقیده موافق باشند.

کمیسیون برای شور نانی این قسم را اصلاح میکنند و بنده هم بیشنهادی در این موضوع کرده ام.

سوم از شرطیکه در این ماده برای انتخاب کنند کان مینویسد این است که در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل شش ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند.

بنظر بتنده کلمه متوطن اینجا معنی خودش نبست.

زیرا توطن یعنی اختیار کردن محلی را بوطن خود.

مثل بنده خیال کردم بروم عراق آنجا بامن یعنی آنجارا بوطنیت انتخاب کرده ام

توطن مینش این است و این کلمه بودن شخص انتخاب کنند کان را در محل نمیرسانند.

مثلاً اگر آقای تدبیر نیکروز در بینکنند شریف بینکنند نمیشود که در آن جماعت وطن شده اند در صورتیکه وطن اصلیشان آنجا

شده اند و عده اینها بیشتر سه آن صد هستند و بینکنند کان هم میکنند.

کلمه ساکن نوشته شود بهتر مقصود را میگانند یا بیک لفت دیگری که بهتر از لفت متوطن باشد.

لیکن میگیر اینست که مینویسد

لاؤل باید شما در آنجا بایدیکن. باشد بعقیده بتنده اینست که مینویسد

فرضاً یکنفر قمی میتوانند بروم عراق موضع انتخابات هم است و در قم انتخابات افلان شفیع است و در موقعی هم که اعلان انتخابات

میتشرند که است.

آن قمی در قم بوده است ولی وقتی که شروع کرده اند در قم تبوده است و زمان است زیرا

است بینکنند و در فراغ هم در اینجا موضع انتخابات هم است و در قم انتخابات افلان

شفیع است و در موقعی هم که اعلان انتخابات

میتشرند که است.

ولی البته بیک منطقی هم برای انتخابات

دوزنامه رسمی گشود شاهنشاهی

دورة پنجم

آنها صدق کند تاینکه معروم شوند والا
مبینطور نوشن (قباوادقام)
این یک کلمه کشداری است و باید
درست توضیع داده شود.
این بود نظریات بندۀ در این
ماده.

نایب رئیس-آقای اخگر

(اجازه)
اخگر- یک اختراضی آقای یاسائی
کردند که بندۀ ترتیب جواب عرض بکنم.
اما مقصود از کلمه خارج از رشد.
اشخاصی هستند که همانطوری که
خودشان اختناقاً فرمودند لایق و میز برای
این که بهمند اختیارات چیز نیستند.
اما کسانی که در تحت قیومیت هستند
فرض صفاری هستند که در تحت قیومیت
دیگران میباشند.
(همه بین نمایندگان)

اخگر- آقای نایب رئیس خوب است
اول اجازه بفرمایند آقایان معتبرین حرف
های خودشان را بزنند بعد بندۀ جواب
عرض کنند بهر حال قیومیت اصلح‌آماً بر
اشخاصی که جزو صفاره هستند و در تحت قیومیت
ولی باقیم میباشند اطلاق میشود و خارج از
رشد اشخاصی هستند که ممکن است که
باشد و صنفی نباشد ولی صلاحیت انتخاب
کردن را نداشته باشند.

یعنی این اختراض مبارتی است و ممکن
است اگر شما یکبارت بهتری را پیشنهاد
کنید که بسوی نعم بول گند.
اما راجح بستگی و متکدی آقایان
تصدیق میفرمایند که این لفت امر و زاصالح‌آماً
در مملکت معمول است و اطلاق باشان
میشود که کدامیک میکند و این کلمه بقدرتی
مشهور و معروف است که جای لفت اصلی
قرار گرفته است.

اگر باخواهیم تمام اصلاحاتی که

امروز معمول و متداول است از ایمان بر
داریم شاید محتاج شویم که قاوس دیگری
برای خودمان درست کنیم.

البته خیلی چیزها فارسی بوده و معرف
شده و خیلی کلمات عربی بوده فارسی شده
و بالآخره بواسطه بول همه صورت یک
لفت می‌را بخودشان گرفته اند و در این

صورت لزومی ندارد که مالات معمول از ایمان
کنیم و یک لفات ناز که همه بآن آشنا
نیست وضع کنیم با این حال اگر بجای کلمه
متکدی یک لافت دیگری بیدا کنند و پیشنهاد
کنند شاید قبول شود.

اما راجح بمعاکم صالحه که فرمودند
کنان میکنم آقای یاسائی معاکم صالحه
رابطه‌وری که بمعاکم عدلیه اطلاق میشود
یک اصل ثابتی فرض فرموده و خال کرده اند
مخصوصاً در معاکم صالحه حکیم‌ها که عدلیه

و عرفه است و معاکم شریعه غیر از معاکم
صالحه است و اسلام خاص دیگری دارد دو
صورتیکه متفق معاکم شریعه و معرفه هر

اشخاصی که بوسائلی شرعاً اشخاصی که مثلاً بیان
معاش میکنند.

این شامل خلی از اشخاص
میشود.

بنده نمیدانم اشخاصی که بوسائلی بیان

مخصوصاً در حق ازتابایع

خرابه بشود.

نایب رئیس- ماده ۹ مطرح است

نفس داده شود.

نایب رئیس- آقای عدل الملک

(اجازه)

عدل الملک- پس از انتخاب بظاهر بیشتر
نمازه- قریب یک ساعت است جلسه شکل

شده و کاری هم انجام نشده و چون نیساعث

میباشد.

این قسمت اینطور میساند که بکم
است.

در فقره ششم نوشته:

مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرين
الی آخر بعیده بندۀ این ماده متفاوت

است.

برای این که مایک اصلی را مسلم
کردم این و باید فراموش کنیم که در قانون
اساسی میگوید:

دعای شرعی منحصر است به جهود
جامع الشرابه.

امور شرعیه حق دخالت در

دانه بعیده بندۀ جلسه تاظهر باید

دانه بیدا کند

نایب رئیس- رأی میگیریم بتنفس

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
(دوشه نفر قیام کردن)

نایب رئیس- تصویب نشده ماده نهم
قرائت میشود

(باين مضمون خوانده شد)

ماده ۹- مکانیکه از حق انتخاب

کردن معروضند

یعنی این معاکم صالحه که در فقره ششم

ذکر شده بعیده بندۀ بیورداست و باید نوشته

شود تا معلوم باشد و بعیده بندۀ مقصود

کسانی هستند که نمیتوانند تشخیص و نیز
بدهنند.

از این جهت محروم از شرکت در

انتخابات شده اند.

یعنی این که این صورت معنی مشمول بی-

سرقت و سایر مقصرين که در یکی از

محاکم صالحه محکوم و مستوجب حدود قانون

اصلامی شده اند در اینجا معاکم مفعکه

هر فی است.

دیگر اینکه در فقره پنجم نوشته شده

ولی مجازات مجازات شرعی و این

چیزی است که حکم مجازات شرعی

را قاضی عرفی بدهد در صورتیکه قاضی فید

حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام

کرده اند.

نایب رئیس- آقای یاسائی

(اجازه)

یاسائی- در ماده نهم که نهضمن شرائط

منتکدی در این جاماتکدی مقصود مائل
به گفت است و این کلمه این معنی را

بنده باید اصلاح شود.

نیز ساند زیرا چنانچه هر ضریحی کنندگ این که

یعنی کسی که مخ خرمی کنندگ این که

ما بگوییم که مقصود همان گذاست و ما

معربش کرده ایم و اگر اینطور هم فرض

کنیم باز میشود متنکدی نهضند

یعنی دیگر اینکه این متنکدی نهضند

نوشته شود خوب است لفت دیگری که

صالحه نابت شده و اشخاصی که بر علیه حکومت

ملی قیام و اقدام کرده اند در معاکم صالحه

صورتیکه متفق معاکم شریعه غیر از

اشخاصی که اینکه میتواند

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل می‌دارد

دسته از انتخابات

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل می‌دارد

دسته از انتخابات

در تاریخ دو شنبه فره جمادی الاولی ۱۳۴۲ انجمن نظار تشکیل و در تاریخ دوم جمادی الاولی شروع بگارنموده اند و اعضاء چهار حوزه فرمی ایام اخذ تعریف و استرداد آراء را مطابق قانون تعیین و اعلان کردند در ۲۶ جمادی الاولی اخذ آراء تمام شده و جمهورها را مهر کرده و در ۲۷ شروع برگایت نمودند.

نظر باینکه راجع بصندوقد بوکان شکایاتی از طرف مردم واصل شده بوده و انجمن نیز عقیده بتجدید انتخاب آنست بپیدا کرده مرابت بوزارت داخله اطلاع و بتلگراف مساعدي که ازو زارت داخله در این موضوع رسیده بوده.

انجمن مجددی در بوان تشکیل و تجدید انتخاب در آن حوزه بعمل آمده از مقدار ۱۴۳۲ رأی مستخرجه پنج قسمت این حوزه کسانیکه دارای اکثریت بوده اند بقرار ذیل است.

آقای رئیس وزراء ۴۵۴ رأی ۲۰۰۰ رأی و چون آقای رئیس وزراء از قبول و کالت این حوزه امتناع جسته اند آقای مساوات حائز اکثریت و شعبه ۴ نمایندگی ایشان را با اکثریت تصویب و رای پورت آنرا تقدیم مجلس شورای ملی میدارد.

نایب رئیس - آقای مفتی (اجازه)

صدرالملاءه مفتوح - بنده مخالفم نایب رئیس - میماند برای جلسه بعد آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده متأسفم که قانون انتخابات در این دوره آمد بمجلس و ناخ خر دوره هم نخواهد گذشت و با اینکه ماید در این دوره کارهای اساسی کرده باشیم هنوز قانون استخدام معلمین را در مجلس نیاورده اند و معلمین بدیخت علاوه بر اینکه مشمول قانون استخدام نیستند از یکجا حقوق آنها را بعنوان تقاضه کسر میکند و از یکجا میگویند شما را باید کترات کنیم.

از این جهت استدعا میکنم برای جلسات بعد قانون استخدام معلمین جزو دستور شود.

نایب رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه بعد روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم مالیات تصاعدی و چون عدم برای رأی گرفتن کافی نیست در جلسه آنها در پیشنهاد آقای طهرانی رأی گرفته میشود.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم صد)

نایب رئیس مجلس شورای اسلام سهام السلطان منشی علی اقبال البالات منشی معظم السلطان

محل باشند یا افلا دوسال در محل انتخاب توقف کرده باشد پیشنهاد آقای آقا سید محی الدین و آقا سید یعقوب -

بنده پیشنهاد میکنم که منتخب یا از اهل محل باشد یا اینکه در حوزه انتخابیه اول از انتخاب دوسال متوقف باشد پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا -

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ جمله ۶ چنین نوشته شود قبل از اعلان انتخاب لااقل شمامه در محل انتخابیه مقیم یا بسکال سابقه اقامت داشته باشد - و جمله ۳ - دارای تصدیق نامه از مدارس متوسطه یا از مدارس علوم دینیه

نایب رئیس - پیشنهاد راجع بختم جلسه رسیده است

جمعی از نمایندگان صحیح است نایب رئیس - چون فردا روز عید است و باید از طرف مجلس چند نفر برای شرقيابی حضور والاحضرت معین شوند لذا شش نفر بقرعه معین میشوند آقا سید یعقوب - بنده در این مسئله مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید آقا سید یعقوب - تا حالا در دوره سوم و چهارم و همچنین در دوره پنجم عید حضرت زهرا هید رسمی نبوده است که نماینده از طرف مجلس میورد اینست که بنده مخالفم

نایب رئیس - چون قبل از همین مجلس انتخاب شده است و شرقياب هم میشده اند و سابقه هم دارد این است که هم انتخاب میشود.

(استقرار بعمل آمده بترتیب ذیل معین شدن) آقای صدرالاسلام - آقای تقیزاده آقای معتمدالسلطنه - آقای حاج میرزا اسدالله خان)

نایب رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان جزء هیئت رئیسه هستند (مجدداً استقرار شده آقایان آقای و کبیل الملک - آقای نصرت الدله آقای امیر اشرف)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب کرده اند قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم رای پورت انتخاب آقای مساوات مطرح شود.

نایب رئیس - مخالفم نیست (گفته - خیر) (رای پورت مزبور بضمون آن خوانده شد)

شعبه سوم در جلسات عدیده دو سیه انتخابات ساوجبلاغ مکری را در تحت دقت و مطالعه فرادراده طرز جریان انتخاب این حوزه بقرار ذیل است:

۷۰ سال باشد ۴ - در محل انتخاب معروف باشد پیشنهاد آقای یاسائی - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی.

بنده پیشنهاد میکنم فقره ۷ ضمیمه ماده ۱۱ شود فقره ۷ لااقل شمامه قبل از موقع انتخاب در حوزه انتخابیه ساکن باشد ایضاً پیشنهاد آقای یاسائی - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم فقره چهارم ایشان که در محل اصلاح شود.

را دارا هستند سن بیست و ینجرال کافی است. پیشنهاد آقای روحی - بنده پیشنهاد میکنم که قسمت سوم از ماده یازده باین هم نوشته شود لااقل تحصیلات مدرسه متوسطه را باتمام رسانده باشد.

پیشنهاد آقای سر کشیک زاده و عدل - الملک - بنده در ماده یازده پیشنهاد میکنم در قسمت ۴ نوشته شود سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد نباشد مگر دیلمه های مدارس عالیه که در بیست و ینجرال کی میتوانند انتخاب شوند.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان خویی و آقای اقبال المالک - بنده پیشنهاد میکنم فقره شش از ماده یازده باین ترتیب نوشته شود.

۶ - در حوزه انتخابیه متوطن بالاقل شمامه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشد.

پیشنهاد آقای دولت آبادی در ماده یازدهم حقیر پیشنهاد میکنم در شرایط انتخاب شوند کان اضافه شود که منتخب باید ممتاز باستعمال افیون نبوده باشد.

پیشنهاد آقای شیروانی - پیشنهاد میکنم قسمت چهارم ماده یازدهم بطریق ذیل اصلاح شود.

۴ - سن ایشان کمتر از بیست و پنج و زیاد تراز هفتاد نباشد.

پیشنهاد آقای اخگر - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه متنوعه در فراز (مگر اهل دیانت از ملل متنوعه مسیعی - زردشتی - کلیمی) در قسمت دوم ماده ۱۱ کلمه ثالثه نوشته شود.

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبد الوهاب بنده پیشنهاد میکنم به ماده ۶ ضمیمه شود اجزاء بلده

پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین پیشنهاد مینایم که قسمت چهار از ماده بترتیب ذیل اصلاح شوده سن آنها کمتر از ۲۰ سال و زیاده از هفتادوپنج نباشد.

پیشنهاد مینایم که قسمت شش از ماده یازده بترتیب ذیل اصلاح شود (د) در محل انتخاب معرفت نامه داشته باشد پیشنهاد آقای سلطان العلماء مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی.

بنده پیشنهاد میکنم فقره ۷ اضافه شود.

را دارا هستند سن بیست و ینجرال کافی است.

پیشنهاد آقای روحی - بنده پیشنهاد میکنم که قسمت سوم از ماده یازده باین هم نوشته شود لااقل تحصیلات مدرسه متوسطه را باتمام رسانده باشد.

پیشنهاد آقای سر کشیک زاده و عدل - الملک - بنده در ماده یازده پیشنهاد میکنم در قسمت ۴ نوشته شود سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد نباشد مگر دیلمه های مدارس عالیه که در بیست و ینجرال کی میتوانند انتخاب شوند.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان خویی و آقای اقبال المالک - بنده پیشنهاد میکنم فقره شش از ماده یازده باین ترتیب نوشته شود.

پیشنهاد آقای دولت آبادی در ماده یازدهم حقیر پیشنهاد میکنم در شرایط انتخاب شوند کان اضافه شود که منتخب باید ممتاز باستعمال افیون نبوده باشد.

پیشنهاد آقای شیروانی - پیشنهاد میکنم قسمت چهارم ماده یازدهم بطریق ذیل اصلاح شود.

پیشنهاد آقای اخگر - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه متنوعه در فراز (مگر اهل دیانت از ملل متنوعه مسیعی - زردشتی - کلیمی) در قسمت دوم ماده ۱۱ کلمه ثالثه نوشته شود.

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبد الوهاب بنده پیشنهاد میکنم به ماده ۶ ضمیمه شود اجزاء بلده

پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین پیشنهاد مینایم که قسمت چهار از ماده بترتیب ذیل اصلاح شوده سن آنها کمتر از ۲۰ سال و زیاده از هفتادوپنج نباشد.

پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده یازده باین طورا اصلاح شود اجزاء بلده

۱ - متدین بدین اسلام باشد مگر ایرانیان زردشتی مسیعی کلیمی منصب ۲ - خط و سواد فارسی داشته باشد ۳ - من ایشان کمتر از ۲۰ سال و زیاده از